

جایگاه رفیع اخلاق در سخنان امام صادق علیه السلام

حضرت صادق علیه السلام، رئیس مکتب جعفری که نام مبارکش «جعفر» و کنیه اش «ابوعبدالله» و پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام و مادر مکرّمه اش «ام فروه» می باشد، در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری در مدینه منوره چشم به جهان گشود. آن حضرت در سال ۱۱۴ هجری به امامت رسید و دوران امامت آن حضرت با حکومت چند تن از خلفای اموی و عباسی هم زمان شد که عبارت اند از:

۱. هشام بن عبد الملک (۱۰۵ - ۱۲۵ ق) ؛ ۲. ولید بن یزید بن عبد الملک (۱۲۵ - ۱۲۶ ق) ؛ ۳. یزید بن ولید بن عبد الملک (۱۲۶ ق) ؛ ۴. ابراهیم بن ولید بن عبد الملک (۷۰ روز از سال ۱۲۶ ق) ؛ ۵. مروان بن محمد مشهور به مروان حمار (۱۲۶ - ۱۳۲ ق) ؛ ۶ - عبد الله سفاح (۱۳۲ - ۱۳۷ ق) ؛ ۷. ابوجعفر منصور دوانیقی (۱۳۷ - ۱۵۸ ق) .

آن حضرت در بیست و پنجم شوال ۱۴۸ در سن ۶۵ سالگی توسط منصور دوانیقی مسموم و در مدینه به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (۱)

آنچه در پیش رو دارید، نگاهی است به اهمّیت و جایگاه اخلاق از دیدگاه رئیس مکتب جعفری، حضرت صادق علیه السلام. امید

است ره توشه‌ای باشد برای همه کسانی که دوست دارند بر اساس اخلاق اسلامی رفتار کنند و زینت اهل بیت علیهم السلام باشند.

ضرورت طرح بحثهای اخلاقی

اخلاق که از ریشه «خُلِقَ» گرفته شده، تعریفهای مختلفی برای آن شده است؛ مرحوم نراقی رحمه الله می‌فرماید: «الْخُلُقُ مَلَکَةٌ لِلنَّفْسِ مُقْتَضِيَةٌ لِّصُدُورِ الْأَفْعَالِ بِسُهُولَةٍ مِنْ دُونِ احْتِیَاجٍ إِلَى فِکَرٍ وَرَوِيَّةٍ؛ (۲) خُلُق، یک حالت نفسانی است که موجب می‌شود کارها به آسانی و بدون نیاز به فکر و دقّت از انسان سر بزنند..»

مرحوم علامه طباطبائی در تعریف علم اخلاق می‌گوید: «علم اخلاق، فنی است که از ملکات انسانی مربوط به نیروهای نباتی و حیوانی و انسانی بحث می‌کند و فضایل ملکات را از رذایل آنها جدا و ممتاز می‌سازد تا انسان بتواند به واسطه تجلی و اتصاف به فضایل اخلاقی، سعادت علمی خود را تکمیل نماید و در نتیجه، افعال و رفتاری داشته باشد که موجب ستایش عموم و مدح جامعه انسانی گردد. البته آنچه به عنوان هدف علم اخلاق ذکر شد، به عقیده علمای اخلاق یونان بوده است؛ ولی از نظر ما هدف اخلاق اسلامی «اِبْتِغَاءِ وَجْهِ اللَّهِ.» [و رسیدن به رضایت خداوندی] است نه رسیدن به مدح و ثنای اجتماعی و نه [حتّی صرف رسیدن] به فضیلت و کمال انسانی..» (۳)

تعریف اخلاق هر چه باشد، ضرورت طرح آن در جامعه به صورت مستمر و دائمی بر هیچ کس پوشیده نیست. در لزوم طرح آن همین بس که امام علی علیه السلام فرموده: «لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةً وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطَالِبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ؛ (۴) اگر ما امیدی به بهشت و ترسی از دوزخ و انتظار ثواب و عقاب نمی داشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ چرا که آنها راهنمای رستگاری هستند..»

از حدیث فوق به خوبی استفاده می شود که نیاز به اخلاق یک نیاز بشری و انسانی است و به فرد و یا جامعه دینی اختصاص ندارد. به همین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ عَلِمَ الرَّجُلُ مَالَهُ فِي حُسْنِ الْخُلُقِ لَعَلِمَ أَنَّهُ يَحْتَاجُ أَنْ يَكُونَ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ؛ (۵) اگر انسان بداند چه چیزی برای او در اخلاق نیک وجود دارد، حتما متوجه می شود که او نیاز به داشتن اخلاق نیکو دارد..»

همچنین آنحضرت صلی الله علیه و آله در جای دیگر فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صَلََّةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ فَحَسَبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ؛ (۶) خداوند سبحان فضایل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خود و بندگانش قرار داد. پس برای

شما کافی است که هر یک از شما دست به اخلاقی بزنند که او را به خدا پیوند دهد...»

مولا محمد صالح مازندرانی، از علمای بزرگ، درباره ضرورت توجه به اخلاق و مباحث اخلاقی در جامعه می‌گوید: «تعجب است که مردم علم اخلاق و عمل به آن را ترک نموده اند و گمان می‌کنند سعادت اخروی در اعمال ظاهری است و یک دهم آنچه را که به پاکی از نجاسات همت می‌گمارند، به تزکیه نفوس توجه ندارند. و این بلای گمراه کننده است..» (۷)

اینجاست که مسئولیت عالمان سنگین تر می‌شود که باید همیشه و به صورت مستمر هم خود از مسائل اخلاقی بهره ببرند و هم به عموم جامعه بحثهای اخلاقی را پیوسته گوشزد کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْأَسْلَامُ حُسْنُ الْخُلُقِ؛ (۸) اسلام، اخلاق نیکو است..»

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ رَأْسُ كُلِّ بَرٍّ؛ (۹) خوش اخلاقی، اساس تمام خوبیها است..»

و در روایت دیگر می‌خوانیم: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الدِّينُ؟ فَقَالَ حُسْنُ الْخُلُقِ، ثُمَّ أَتَاهُ عَنْ يَمِينِهِ فَقَالَ مَا الدِّينُ فَقَالَ حُسْنُ الْخُلُقِ ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ قِبَلِ شِمَالِهِ فَقَالَ: مَا الدِّينُ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ وَقَالَ: أَمَا تَفْقَهُ؟ الدِّينُ هُوَ أَنْ لَا تَغْضَبَ؛

(۱۰) مردی از جلوی روی رسول خدا نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! دین چیست؟ پس حضرت فرمود: اخلاق نیک، آنگاه از سمت راست حضرت آمد و پرسید: دین چیست؟ پس حضرت فرمود: خوش خلقی. آنگاه از سمت چپ آن حضرت آمد و دوباره سؤال کرد: دین چیست؟ این بار حضرت فرمود: نفهمیدی؟ دین، آن است که دشمنانک نشوی..»

اهمیت اخلاق در کلام امام صادق علیه السلام

۱. زندگی با اخلاق گوارا می شود.

آن حضرت فرمود: «لَا عِيشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ؛ (۱۱) هیچ زندگی ای گواراتر از نیک خوئی نیست..»

این حدیث به خوبی می رساند که اگر زندگی اجتماعی، خانوادگی و حتی انفرادی توأم با اخلاق باشد، برخوردار از شادی و نشاط و شادابی خواهد بود. جامعه و خانواده ای که اخلاق را مراعات نکنند، نشاط و شادابی از آن رخت خواهد بست.

۲. عمر را صرف ادب و اخلاق کن.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنْ أُجِّلْتَ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِادِّبِكَ تَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى يَوْمِ مَوْتِكَ؛ (۱۲) اگر از عمرت تنها به میزان دو روز مهلت داده شدی، یک روزش را برای ادب خود اختصاص بده تا برای روز مرگ از آن کمک بگیری..»

۳. اخلاق نیک نشانه بزرگواری است.

آن حضرت فرمود: «ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ: حُسْنُ الْخُلُقِ وَكَظْمُ الْغَيْظِ وَغَضُّ الطَّرْفِ؛ (۱۳) سه چیز نشانه بزرگواری انسان است: خوش اخلاقی، فرو بردن خشم و فرو پوشیدن چشم..»

۴. اخلاق نیک نشانه درست اندیشی است.

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «ثَلَاثَةٌ يَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى إِصَابَةِ الرَّأْيِ: حُسْنُ اللَّقَاءِ وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ وَحُسْنُ الْجَوَابِ؛ (۱۴) سه چیز نشانه درست اندیشی است: خوش برخوردی، خوب گوش دادن و نیکو پاسخ دادن..»

این حدیث بیش از هر کس، واعظان و عالمان جامعه را هدف قرار داده است؛ زیرا برای هدایت مردم هم خوش برخوردی لازم است و هم توجه به سخنان و درد دلهای مردم و هم نیکو جواب دادن به سؤال دیگران.

۵. در یک کلام حُسن خلق آنقدر عظمت و ارزش دارد که هر کس به عمق و ژرفای آن نمی رسد، و به هر کس عنایت نمی شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَا يَكُونُ حُسْنُ الْخُلُقِ إِلَّا فِي كُلِّ وَلِيٍّ وَصَفَى... وَلَا يَعْلَمُ مَا فِي حَقِيقَةِ حُسْنِ الْخُلُقِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى؛ (۱۵) و حسن خلق یافت نمی شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان [خداوند] ... و آنچه در حقیقت خلق نیکو است جز

خداوند متعال کسی نمی‌داند..»

۶. خوی نیک از اوصاف انبیاء است. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الصَّبْرَ وَالْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ؛ (۱۶) به راستی صبر و نیکوکاری، و خوش خوئی از اخلاق انبیا است..»

نمونه‌های عینی از مکارم اخلاق

حضرت صادق علیه السلام تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده؛ بلکه برای ثمر بخش بودن آن در جامعه، به بیان موارد و مصداقهای عینی آن نیز پرداخته است تا اینکه مسئله مذکور ملموس‌تر و محسوس‌تر شود. حال به ارائه چند روایت در این زمینه می‌پردازیم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ خَصَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ، وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا؛ (۱۷) براستی خداوند تبارک و تعالی، پیغمبرش را به فضایل اخلاقی مخصوص کرد. پس خود را آزمایش کنید؛ اگر [مکارم اخلاق] در شما یافت شد، پس ستایش الهی را به جا آورید، و از او بخواهید که بیشتر به شما عنایت فرماید..» راوی گوید: حضرت آن گاه شروع کرد به بیان مصداقهایی از مکارم اخلاق و آن را در ده مورد تبیین نمود که: «الْيَقِينُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ

وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءُ وَالْغَيْرَةُ وَالشُّجَاعَةُ وَالْمُرُوءَةُ؛ (۱۸) یقین، قناعت، بردباری، سپاس گذاری، خویشتن داری، خوش بر خوردی، سخاوتمندی، غیرت، شجاعت و جوانمردی..»
موارد فوق از مهم ترین فضایل اخلاقی است که می تواند خانواده، جامعه و حتی تمام جهانیان را به سعادت و خوشبختی برساند.

۲. آن حضرت در مورد علائم اهل بهشت فرمود: «إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ، وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ، وَلِسَانٌ لَطِيفٌ وَقَلْبٌ رَحِيمٌ وَيَدٌ مُعْطِيَةٌ؛ (۱۹) اهل بهشت چهار نشانه دارند: سیمای گشاده، زبان نرم و مهربان، قلب مهربان و دست بخشنده..»

۳. از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد که مکارم اخلاق چیست؟ حضرت در جواب فرمود: «الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَصِلَةُ مَنْ قَطَعَكَ، وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَقَوْلُ الْحَقِّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ؛ (۲۰) گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است، و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است، و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته، و سخن حق گفتن هر چند بر ضررت باشد..»

۴. شخصی از حضرت علیه السلام درباره حد و اندازه خوشخویی و خوش برخوردی پرسش نمود و حضرت در پاسخ فرمود: «تَلَيْنُ جَانِبَكَ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَا أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ؛ (۲۱)

به نرمی [و مهربانی] برخورد نمایی، پاکیزه سخن بگویی و باچهره
نیکو برادرت را ملاقات کنی..»

در حدیث دیگر از آن امام همام علیه السلام می خوانیم که از
حضرت پرسیدند: «أَيُّ الْخِصَالِ بِالْمَرْءِ أَجْمَلُ فَقَالَ وَقَارٌ بِلَا مَهَابَةَ
وَسَمَاحٌ بِلَا طَلَبٍ مُكَافَأَةً، وَتَشَاغُلٌ بِغَيْرِ مَتَاعِ الدُّنْيَا؛ (۲۲) کدامیک
از صفات برای مرد زیباتر است؟ فرمود: وقاری که همراه با ترس
نباشد، و بخششی که انتظار مقابله به مثل در آن نباشد، و مشغول
شدن به غیر متاع دنیا..»

ثمرات خوش خلقی

در قرآن کریم گاه به فوائد دنیوی اخلاق مانند: گشایش در
رزق، (۲۳) توانایی بازشناسی حق از باطل (۲۴) ، افزایش برکات
آسمانی و زمینی (۲۵) ، آرامش روحی و روانی، (۲۶) اشاره
شده است و گاهی نیز ثمرات و پیامدهای اخروی اخلاق نیک بیان
گردیده است؛ چنان که می فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا
مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ (۲۷) «در آن روز که مال و فرزند
سودی نمی بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید..»
امام صادق علیه السلام در تفسیر قلب سلیم فرمود: قلبی است که
پروردگارش را دیدار کند در حالی که جز خدا در آن نباشد..»
سپس افزودند: «هر قلبی که در آن شرک یا شبهه باشد، از منزلت

و ارزش ساقط است. همانا صاحبان قلب سلیم، وارستگی در این جهان را برگزیدند تا در آن جهان آسوده خاطر باشند..» (۲۸)

و در آیه دیگر می‌خوانیم: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»؛ (۲۹) «و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست..»

در روایات نیز به ثمرات و فوائد دنیوی و اخروی اخلاق برمی‌خوریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ إِنْ أَكْثَرَ النَّاسُ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ» (۳۰) اخلاق خدایی پیدا کنید، به راستی بیشتر مردم به خاطر تقوا و خوش اخلاقی وارد بهشت می‌شوند..»

در زمینه ثمرات و فواید اخلاق خوب حضرت صادق علیه السلام سخنان گرانبهائی دارد که در ادامه بحث به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. فراوانی رزق

آن حضرت فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»؛ (۳۱) خوی نیکو باعث فراوانی روزی می‌شود..»

۲. آبادانی و طولانی شدن عمر

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ يَغْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ؛ (۳۲) براستی نیکی و خوش خلقی باعث آبادی زمین، و افزایش [و طولانی شدن] عمرها می شود..»
در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام شیعیان را به خوشرفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می داند و می فرماید: «مَنْ حَسُنَ بَرُّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ زِيدَ فِي عُمُرِهِ؛ (۳۳) هر کس با خانواده خود خوشرفتاری کند، عمرش طولانی می شود..»

۳. پاک شدن گناهان

همچنین آن حضرت فرمود: «الْخُلُقُ الْحَسَنُ يُمِثُّ الْخَطِيئَةَ كَمَا تُمِثُّ الشَّمْسُ الْجَلِيدُ؛ (۳۴) خوی نیکو گناهان را ذوب می کند؛ چنانکه خورشید یخ را آب می کند..»

۴. زینت دنیا و آخرت

حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام می فرماید: «الْخُلُقُ الْحَسَنُ جَمَالٌ فِي الدُّنْيَا وَنَزْهَةٌ فِي الْآخِرَةِ وَبِهِ كَمَالُ الدِّينِ وَقُرْبُهُ إِلَى اللَّهِ وَلَا يَكُونُ حُسْنُ الْخُلُقِ إِلَّا فِي كُلِّ وَلِيٍّ وَصَفِيٍّ؛ (۳۵) خلق نیکو در دنیا موجب زیبایی، و در آخرت گشایش است و مایه کمال در دین و نزدیکی به پروردگار است. و حسن خلق نیست مگر در

وجود دوستان و برگزیدگان [خداوند] ..»

۵. ثواب بی پایان

امام صادق علیه السلام در فرازی دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُعْطِيَ الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِي الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَغْدُوا عَلَيْهِ وَيُرُوْحُ؛ (۳۶) خداوند بر نیک خویی بنده، پاداشی را عطا می کند که به مجاهد در راه خودش که در هر صبح و شب می جنگد [و همیشه در جهاد است] می بخشد..»

پیامدهای زیانبار بدخلقی

در منابع دینی پیامدها و ضررهای زیانبار بدخلقی نیز بیان شده است تا مردم بیشتر به اخلاق نیک اهمیت دهند و از اخلاق زشت رویگردان باشند.

در این زمینه نیز رئیس مکتب جعفری، سخنان بیدارگر، هشدار دهنده و ارزشمندی دارد که در ذیل می خوانیم:

۱. بدخلقی تباه کننده عمل

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ سَوْءَ الْخُلُقِ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ؛ (۳۷) همچنان که سرکه عسل را تباه

می‌کند، بدخلقی نیز عمل را تباه می‌کند..» و در روایت دیگر به جای کلمه «العمل» تعبیر «لَيُفْسِدُ الْإِيمَانَ» (۳۸) به کار رفته است؛ یعنی بدخلقی ایمان را تباه می‌سازد که در این صورت خطر آن دوچندان خواهد شد؛ زیرا ایمان ریشه و اساس انسانیت را تشکیل می‌دهد و آسیب دیدن آن ضررهای جبران ناپذیری را در پی دارد.

به همین جهت، وقتی به پیامبر خبر دادند که زنی شبها عبادت می‌کند و روزها روزه دارد؛ ولی اخلاقش زشت است و همسایگان را با زبان آزار می‌دهد، حضرت فرمود: «لَا خَيْرَ فِيهَا، هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ» (۳۹) خیری در او نیست، او اهل آتش است..»

۲. خارج شدن از گروه شیعیان واقعی

امام صادق علیه السلام رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگیهای مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده، و بر اجتناب از بدخلقی پای فشرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا وَلَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا» (۴۰) از ما نیست کسی که بزرگ ترهایمان را احترام نکند و به کوچک ترهایمان ترحم ننماید..»

پاورق

-
-
۱. ر. ک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، صص ۳۴۹ – ۳۵۰؛
اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۵۴.
 ۲. مرحوم نراقی، جامع السعادات، ص ۴۶.
 ۳. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، صص ۳۷۶ – ۳۷۸.
 ۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۳.
 ۵. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۹۹.
 ۶. تنبیه الخواطر، ص ۳۶۲؛ اخلاق در قرآن، ناصر مکارم
شیرازی، ج ۱، ص ۲۳.
 ۷. شرح اصول کافی، ج ۸، باب حسن خلق، ذیل حدیث ۸ و ر.
ک: مجله حوزه، شماره ۵، ص ۸۵.
 ۸. ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۱۷۰.
 ۹. همان.
 ۱۰. ابی الحسین ورام، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۹.
 ۱۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۱.
 ۱۲. روضه کافی، ج ۸، ص ۱۵۰.
 ۱۳. علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۵۷۲، ح ۳۴.
 ۱۴. همان، ص ۵۸۲.

١٥. بحار، ج ٦٨، ص ٣٩٣.
١٦. المواعظ العددية، ص ٢٢٧.
١٧. منتخب ميزان الحكمة، ص ١٧٠، ج ١٩٤٩؛ امالي صدوق، ص ١٨٤، ح ٨.
١٨. همان.
١٩. المواعظ العددية، علي مشكيني، (قم، الهادي)، ص ٢٣٠.
٢٠. معاني الاخبار، صدوق، ص ١٩١، ح ١؛ منتخب ميزان الحكمة، ص ١٧٠، ج ١٩٥٠.
٢١. منتخب ميزان الحكمة، ص ١٧٠، روایت ١٩٤٤ و معاني الاخبار صدوق، ص ٢٥٣، ح ١.
٢٢. اصول کافی، ج ٢، ص ٢٤٠.
٢٣. طلاق/ ٢ - ٣.
٢٤. انفال/ ٢٩.
٢٥. اعراف/ ٩٥.
٢٦. رعد/ ٢٨.
٢٧. شعراء/ ٨٩.
٢٨. فيض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ٤، ص ٤١؛ اصول کافی، ج ١٢، باب اخلاص، ص ١٦.
٢٩. نازعات/ ٤١ - ٤٠.

٣٠. اخلاق محتشمی، ص ٢٤٩.

٣١. بحار الانوار، ج ٧١، ص ٣٩٥ - ٣٩٦، ح ٧٧.

٣٢. منتخب میزان الحکمه، ص ١٧١، ح ١٩٥٧.

٣٣. اربلی، کشف الغمه، (بیروت، دارالاضواء، بی تا)، ج ٢،

ص ٢٠٨.

٣٤. همان؛ منتخب میزان الحکمه، ص ١٧١، ح ١٩٥٧.

٣٥. بحار الانوار، ج ٦٨، ص ٣٩٣؛ مصباح الشریعه، باب ٦١،

ص ٣٣٨.

٣٦. اصول کافی، ج ٢، ص ١٠١.

٣٧. همان، روایت ١٩٦٣.

٣٨. اصول کافی، ج ٢، باب سوء الخلق.

٣٩. بحار الانوار، ج ٧١، ص ٣٩٤.

٤٠. همان، ج ٧٥، ص ١٣٨.